

بررسی جنبه‌های تربیتی منابع انسانی از دیدگاه سعدی و تاگور با توجه به نیاز جامعه‌ی امروز ایران و هند

نویسنده: زینب یوسفی
کارشناس زبان و ادبیات فارسی
کارشناس ارشد علوم تربیتی - مدیریت آموزشی
ایران - بوشهر
تلفن: 00989179616220
Email: zeynab.yousefi7@gmail.com

چکیده

ادیبان و هنرمندان هر قوم، پاسداران زبان و فرهنگ آن سرزمین هستند. به دلیل تشابهی که در جوامع بشری وجود دارد، ادیبان و هنرمندان محدود به سرزمین یا قوم خاصی نمی‌شوند؛ بلکه پرچمداران علم و فرهنگ هستند که با آفرینش آثار خود، علم، دانش، فرهنگ و هنر را به نسل‌های بعد منتقل کرده و اخلاق و کمال انسانی را ترویج می‌دهند.

نگرش و بررسی در آثار این اندیشمندان راهنمای خوبی برای علوم تربیتی منابع انسانی امروز خواهد بود. بخصوص که پیوستگی فرهنگی ایران و هند، جستاری است که دیرینگی ریشه‌داری در تاریخ درخشان دو ملت دارد. ادیبان و اندیشمندانی چون شیخ "مشرف الدین مصلح بن عبدالله شیرازی" متخلص به سعدی از ایران و "راین درانات تاگور" از هند آثار برجسته‌ای در ادبیات دارند که هر کدام می‌تواند در نوع خود شاهکار به حساب آید.

هدف اصلی این مقاله بررسی جنبه‌های تربیتی منابع انسانی از دیدگاه سعدی و تاگور با توجه به نیاز جامعه‌ی امروز ایران و هند می‌باشد. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از کتاب، اسناد، سایت اینترنتی و اطلاعات محقق بوده و روش تحقیق- توصیفی- تحلیلی به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد.

این مقاله جایگاه تربیت، نقش طبیعت در تربیت، اتحاد، نوع دوستی، آیین سخنوری، استقامت، وقت شناسی، عشق و محبت، نقش موسیقی در تربیت و آزادی را در آثار سعدی و تاگور بررسی کرده است.

نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که منابع انسانی سرمایه‌ی مهم هر جامعه محسوب می‌شوند و تربیت بعد مهم زندگی هر فرد است که تأثیر مستقیم بر کل جامعه دارد. با توجه به قدمت روابط فرهنگی دو کشور ایران و هند، بر اساس نیاز جامعه‌ی امروز، توجه به جنبه‌های تربیتی در آثار سعدی و تاگور می‌تواند نتیجه بخش و راهگشا باشد.

واژگان کلیدی: جنبه‌های تربیتی، منابع انسانی، جامعه‌ی امروز، سعدی، تاگور، ایران، هند

مقدمه

سخن گفتن از دیرینگی پیوستگی‌های فرهنگی ایران و هند بسی دشوار است. زیرا پیوستگی‌ها چنان ژرف و گسترده است که نمی‌توان با سرآغاز فشرده و کوتاه به زوایای آن پرداخت. اما می‌توان گوشه‌چشمی به سخن زنده یاد «پاندیت نهرو» داشت: شک دارم در این گیتای پهناور، دو کشور دیگر پرماس و برخوردی‌های تاریخی نزدیک و دنباله‌داری چون ایران و هند با هم داشته باشند.

فراز و فرودهای سیاسی، در درازای تاریخ نتوانسته‌اند این دو ملت را از هم جدا سازد. بی‌گمان، بن‌پاره فرهنگ، پایداری‌بخش این پیوستگی‌ها در رویه‌های گوناگون بوده است.

با وجود این پیوستگی‌های تاریخی و فرهنگی بین این دو کشور بجاست به جنبه‌های تربیتی نیز پرداخته شود. تربیت از ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای زندگی بشری است و نه تنها لازمه‌ی جدایی‌ناپذیر زندگی بلکه متن آن بوده و زندگی جلوه‌ای از آن است. انسان، منبع و سرمایه است و موضوع تعلیم و تربیت از مبانی بنیادین زندگی انسان به شمار می‌رود.

از منابع انسانی با عنوان سرمایه‌ی انسانی نیز یاد می‌شود. مدیریت سرمایه انسانی نظامی است که با بهبود عملکرد کارکنان نقش‌های اصلی، کسب و کار را در رسیدن به اهداف کوتاه مدت و بلند مدت یاری می‌رساند. روابط اجرایی کارکنان به مدیریت سرمایه انسانی وابسته است، و فعالیت‌های آنها باید با نظامی انتخابی هماهنگ و همسو می‌باشند. مدیریت منابع انسانی می‌کوشد تا قابلیت‌های مدیریت و نیروی کار انسانی را شناسایی کرده، پرورش داده، نگهداری کند و همچنین برانگیخته سازد. (یوسفی، 1395)

با توجه به قدمت فرهنگی و تاریخی دو کشور ایران و هند، و نیز تهدیدات و پیشرفت‌های دنیای تکنولوژی و گسترش تبادل فرهنگی در جهان امروز، ضرورت دارد به جنبه‌های تربیتی در آثار ادیبان و دانشجوران این دو کشور پرداخت.

هدف اصلی این مقاله بررسی جنبه‌های تربیتی سرمایه‌ی انسانی از دیدگاه سعدی و تاگور با توجه به نیاز جامعه‌ی امروز ایران و هند است.

شیخ "مشرف الدین مصلح بن عبدالله شیرازی" متخلص به شیخ "سعدی" یکی از شاعران و اندیشمندان بزرگ ایران زمین است. که در آثار خود به موضوع تربیت و ویژگی‌های تربیتی توجه بسیار دارد.

درباره‌ی تاریخ تولد ایشان تذکره نویسان قدیم و پژوهندگان جدید سال‌های متفاوتی گفته‌اند ولی با توجه به مقدمه کتاب گلستان به این تاریخ اشاره دارد:

هردم از عمر می‌رود نفسی / چون نگه می‌کنم نمانده بسی

ای که پنجاه رفت و در خوابی / مگر این پنج روزه دریابی!

و در ادامه می‌فرماید:

درین مدت که ما را وقت خوش بود / ز هجرت ششصد و پنجاه و شش بود

مراد ما نصیحت بود و گفتیم / حواله با خدا کردیم و رفتیم

مقایسه کنیم چنین می‌شود که در سال 656 پنجاه سال یا چیزی نزدیک به آن از عمر او گذشته و بدین تقدیر ولادتش حدود 606 هجری قمری بوده است. (شعار، 1388)

سعدی در دیباچه‌ی بوستان سبب نظم کتاب اظهار می‌کند که در مکاتب و مجالس درس و عرفان و معرفت در میان اجتماع مردم از اقشار متفاوت حضور و مرآده داشته است. در واقع وی فرزند زمان خود بوده است. همانطور که از پیامبر اکرم (ص) سفارش شده است: فرزند زمان خود باش. واضح هست فردی با این خصوصیات تجربیاتی متفاوت در زمینه‌ی علوم تربیتی و علوم اجتماعی بدست آورده و با گوهر هنر آغشته کرده و این شاهکارها را خلق کرده است. سعدی هم درباره‌ی اخلاق بحث می‌کند و هم در آثار خود تربیت اخلاقی را مطرح می‌سازد. تربیت به معنای اصطلاح کلمه نیز از نظر سعدی دور نمانده است. او درباره‌ی بعضی از مسائل تربیتی مانند اختلافات فردی، تأثیر عوامل ارثی و محیطی در رفتار فرد، نقش تنبیه و تشویق در رفتار شاگردان و همچنین رسالت دانایان و معلمان در تحکیم ارزش‌های انسانی و معنوی به بحث می‌پردازد. (یونسکو، 1373)

رابین درانات تاگور در هفتم ماه مه 1861 میلادی در یکی از پیشرفته‌ترین ایالت‌های هند در خاندانی مهاراجه چشم به جهان گشود و پس از هفتاد سال و سه ماه زندگی در هفتم ماه اوت 1941 میلادی در همان زادگاه خود در خانه‌ی دیرین نیاکان درگذشت. (پورداد، 1340)

به نقل از ویل دورانت: «در تاریخ تمدن شخصیتی بی نظیر در عصر کنونی است. تاگور موسیقیدان، آموزشگر، مقاله‌نویس، فیلسوف، شاعر، نقاش و نظریه پرداز گفتگوی تمدن‌هاست.» (جهانبگو، 1379)

تاگور کار ادبی خود را با سرودن اشعار غنایی آغاز کرد. انتشار ترانه‌های آفتاب و سرودهای شبانه باعث شد که تاگور در سراسر هندوستان به عنوان یک شاعر بزرگ معرفی شود. اکثر آثار این نابغه‌ی بزرگ مبتنی بر درون بینی و اعتقاد به تجلی بارقه‌ای از نور خداوند در وجود انسان است.

«محمد عجم» محقق و پژوهشگر ایرانی در مقاله‌ای که در فصلنامه‌ی قند پاریسی در هند منتشر شد، می‌نویسد: «رابیندرانات تاگور شاعر، فیلسوف، موسیقیدان و چهره‌پرداز اهل بنگال هند بود. نام آوری‌اش بیشتر از برای

شاعری او است. وی نخستین فرد از قاره‌ی آسیا است که برنده‌ی جایزه نوبل شده است. پدرش دبن درانات (مهاریشی) فردی ادیب بود و اشعار فارسی مخصوصاً حافظ را به خوبی از بر بود و مادرش سارا دادیوی نام داشت و به تاگور لقب گوردیو (Gurdev) به معنای پیشوا داده‌اند...»

گفتنی است، رابیندرانات تاگور به ایران و زبان فارسی علاقه‌ی فراوان داشت و به رغم کهولت سن و سختی سفر در آن زمان دوباره به ایران سفر کرد. سفر نخست او در اردیبهشت ۱۳۱۱ و دیگر بار در سال ۱۳۱۳ انجام شد. سفر تاگور و دیدار وی با نویسندگان و شاعران ایران در بوشهر، شیراز، تهران و اصفهان به تبادل فرهنگی و ادبی گسترده‌ای میان نویسندگان و شاعران ایران و هند انجامید که سال‌ها دامنه یافت. ملک الشعرا ی بهار اشعاری در وصف او سرود و تاگور از دولت ایران خواست که استادی را برای تدریس به دانشگاه خود «ویسوپهاری» به هند بفرستد و ابراهیم پورداود به این منظور به هند اعزام شد.

دکتر محمد عجم درباره‌ی ارتباط معنوی میان تاگور با فرهنگ ایرانی می‌گوید: «تاگور به چندین دلیل احساس می‌کرد که باید دعوت دولت ایران را بپذیرد، نخست به علت اینکه زبان و ادبیات فارسی، که در آغاز مسلمانان و سپس گورکانیان در هند رواج دادند، بخشی از میراث ادبی بنگال بود و شمار زیادی از کلمات بنگالی (حدود سه هزار واژه) ریشه‌ی فارسی داشت. دیگر اینکه «موهون روی»، پدر معنوی تاگور، و بزرگان دیگر هند در آن روزگار، فارسی را روان صحبت می‌کردند و با آنکه تاگور خود فارسی نمی‌دانست، اما با افسانه‌ها و شاعران ایرانی، خاصه حافظ، هم از طریق ترجمه و هم از راه متون اصلی آشنایی داشت.» (irna.ir)

جنبه‌های تربیتی از دیدگاه سعدی و تاگور

جایگاه تربیت

در تربیت سعدی به افلاطون نظر دارد. افلاطون می‌گوید: «قرار نیست که سرنوشت به سراغ شما بیاید و شما را برگزیند، بلکه شما سرنوشت خود را برمی‌گزینید. هر کس به حکم تقدیر در راهی که انتخاب می‌کند خواهد ماند. هر

کس مسئول انتخاب خویش است و خدا در این باره تقصیری ندارد.» (افلاطون،

1356)

سعدی تربیت نیروی انسانی را از همان ابتدای سال‌های کودکی در خانه و مدرسه می‌داند. این دوره از مهمترین سال‌های دوران زندگی شخص بشمار می‌رود و تربیت در این دوره، انسان ساز و آینده ساز است. والدین و مربیان باید با صبر و حوصله آموزش صحیح را به کودک منتقل کنند. و در صورت نیاز سختگیری کنند. سعدی در کتاب گلستان اشاره می‌کند:

درشتی و نرمی به هم در به است/ چو فاصد که جراح و مرهم نه است (سعدی، گلستان)

هر آن طفل کو جور آموزگار/ نبیند، جفا بیند از روزگار (سعدی، بوستان)

سعدی در زمینه‌ی پالایش نفس باور دارد برای پرهیز از گناه باید درون را از آلودگی پاک کرد. باید روح خود را مانند کودک پرورش دهد. بنابراین فرهنگ (ادب) و پرورش (تربیت) انسان‌ها را در گرو پرورش جان می‌داند:

تو خود را چو کودک ادب کن به چوب/ به گرزگران مغز مردان مکوب (سعدی، بوستان)

سعدی سعی دارد افراد را به دنیای علم و فضیلت و اخلاق نیک سوق دهد. او مخالف عقاید کسانی است که با تنبلی، اوهام و خرافات به ملکوت می‌رسند. از سوی دیگر فضایل و اخلاق نیک و درک حکمت در جهت رسیدن به کرامات را مهم می‌شمارد.

عشق تاگور به تربیت برای آزادی روح بشر است. تاگور معتقد است برای این آزادی روح، باید ترس‌ها و خیال‌ها را از اندیشه‌ی بشر دور داشت. او کمتر به مضمون‌های تربیتی رایج در ادبیات ایران توجه کرده، بلکه تمام اشعار او در جهت آگاهانیدن و تربیت انسان به دوری از توجه به دنیا و توجه به عشق درون انسان در جهت اتصال به عشق ابدی است. تاگور به وجود یک کودک به عنوان یک انسان نگریسته است، آن هم انسانی که تازه و پاک به وجود آمده است و هنوز به آرایش‌های این دنیا مکر نشده است:

«...بچه خرمنی طلا و مروارید داشت. با این همه مثل گداها پا به جهان گذاشت/ بی خود نیست که این طور با این لباس مبدل آمده است/ این طور به نظر می‌رسد که این نازنین درویش کوچک برهنه/ سخت بی‌یار و بی‌کس است تا بتواند از دولت عشق مادر گدایی کند/...بی خود نبود که از آزادی‌اش دست کشید/ نمی‌داند که در کنج کوچک دل مادر جایی برای شادی بی‌پایان هست/...» (حسینی رنجبر، 1394)

نقش طبیعت در تربیت

تاگورو سعدی هر دو در طبیعت و در ارتباط با خلق و خوی طبیعی مردم بودند. عاشق زیبایی و طبیعت بودند و این زیبایی‌ها را در آثار خود نمایان ساختند. نگاه تاگورو در ارتباط طبیعت با تربیت آدمی در این شعر به عنوان نمونه می‌توان دید:

ماهی در آب ساکت است،/ حیوانات خشکی پر سرو صدا هستند/ و پرنده در هوا می‌خواند؛/ اما انسان در خود سکوت دریا،/ صدای زمین/ و موسیقی هوا را دارد./ معنای وجودی ما نه در جدایی آن از خدا و جهان خلقت،/ که در درکی آرام از یوگا، از یگانگی است./ مردم جدید این دنیای مدرن،/ بیشتر متمایل به تعقیب جمع هستند تا درک.

اهمیت طبیعت در تقویت حس سالم و پاک درون و توجه به تفاوت‌های فردی، نظریات مختلفی وجود دارد. تاگور همه‌ی انسان‌ها را به کسب اخلاق نیک الهی و حرکت زندگی به سوی صعود می‌خواند. در این مسیر هر چیز کوچک ولو کوچک‌ترین مظاهر طبیعت می‌تواند تربیت‌کننده و آموزنده باشد. به حدی که از نظر او اتحادی بین انسان و طبیعت خدا وجود دارد. (حسینی رنجبر، 1394)

سعدی عوامل وراثت، محیط، ذات و سرشت شخص در تعلیم و تربیت موثر می‌داند. و معتقد است هر کس به اندازه توان و ظرفیت خود به درک و فهم موضوعی می‌پردازد. در حکایت ششم از باب هفتم گلستان بیان

می‌کند: « پادشاهی پسری را به ادیبی داد و گفت: این فرزند تو است تربیتش همچنان کن که یکی از فرزندان خویش. گفت: فرمانبردارم. سالی چند بر او سعی

کرد و بجایی نرسید و پسران ادیب در فضل و بلاغت منتهی شدند. مَلِک، دانشمند را مواخذت کرد و معاتبه فرمود که وعده، خلاف کردی و وفا بجا نیاوردی. گفت: بررای خداوند روی زمین پوشیده نماند که تربیت یکسان است و طبایع مختلف.

گرچه سیم و زر ز سنگ آید هی / در همه سنگی نباشد زرو سیم
بر همه عالم هی تا بد سهیل / جایی انبان می کند جایی ادیم. (سعدی، گلستان)
ولی از اصل تربیت پذیری انسان ناامید نیست. زیرا در حکایت 11 از باب چهارم بوستان می فرماید:

بَدست این پسر طبع و خویش ولیک / مرا زو طبیعت شود خوی نیک
چو زو کرده باشم تحمل بسی / تو انم جفا بردن از هر کسی
تحمل چو زهرت نماید نخست / ولی شهید گردد چو در طبع رُست (سعدی،
بوستان)

اتحاد

لازمه‌ی تربیت و یکی از اصول موفقیت رعایت اصل وحدت اتحاد و یکی بودن است. ما باید در امر تربیت قوه‌ی اتحاد و همدلی را تقویت کنیم و بیاموزیم که قدرت جمع بیشتر از قدرت فرد است. اتحاد ما را در برابر ناکامی‌ها محفوظ می‌دارد و باعث شکست دشمنانمان می‌شود.

سعدی بر این اصول پایبند است. چنانکه در کتاب گلستان باب هشتم حکایت 22 آورده:

چو بینی که در سپاه دشمن تفرقه افتاده، تو جمع باش، و گر جمع شوند از پریشانی اندیشه کن.

برو با دوستان آسوده بنشین / چو بینی در میان دشمنان جنگ
وگر بینی که با هم یک زبان اند / کمان را زه کن و بر باره بر سنگ
(سعدی، گلستان)

تاگور نیز معتقد است، اتحاد میان انسان‌ها مشکلات آن‌ها را حل می‌کند. او در تمثیلی نمایش گونه می‌گوید:

«آن وقت سوپریا، دختر درویش برخاست/ به همه فروتنانه سر خم کرد و گفت:/ «من گرسنه‌ها را سیر می‌کنم.»/ آنها از حیرت فریاد کشیدند/ «چطور می‌توانی امیدوار باشی که به عهده‌ت وفا کنی؟»/ سوپریا گفت: «من فقیرترین شما هستم و این توانایی منست/ من در خانه‌های هر یک از شما صندوقی و انباری دارم.» (حسینی رنجبر، 1394)

نوع دوستی

وقتی در دل محبت و مروت پرورش یابد، آدمی دید گسترده و وسیعی نسبت به دنیای اطراف خود پیدا می‌کند. یا به بیانی، دیگر جهان بینی و درک دنیای اطراف باعث می‌شود که در فرد احساس دوستی و مروت تقویت شود. در نتیجه هر فرد در هر جای جهان که باشد نسبت به هم‌نوعان خود احساس تعلق خاطر کرده و صلح جهانی برقرار می‌شود.

در باب نوع دوستی از دید سعدی همین کافیست که در کتاب گلستان باب اول می‌گوید:

بنی آدم اعضای یک پیکرند/ که در آفرینش زیک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار/ دگر عضوها را نماند قرار

تو کز محنت دیگران بی غمی/ نشاید که نامت نهند آدمی (سعدی، گلستان)

حس نوع دوستی و جهان بینی در تاگور نیز همانند سعدی متجلی است.

دید کلی و وسیع او توجه بیشتر به غمخواری با جهان است:

«دوستم، گرچه می‌دانم ما با هم متفاوتیم/ اما دلم این را قبول نمی‌کند/ چون

ما هر دو در همان شب بی‌خواب/ همان موقعی که پرنده‌ها آواز می‌خواندند/ و

همان افسون بهار به دل‌های ما راه پیدا می‌کرد/ بیدار شدیم/ اگرچه روی تو به

روشنایی است/ و روی من در سایه/ اما شادی دیدار ما دلپذیرتر و پنهانیست.../

اما دم ولای زندگی مرا به سوی تو آورده/ و خط نیره‌ی تفاوت ما/ با تابش

سپیده دم روشنی یافته است» (تاگور، 1388)

آیین سخنوری

از دید فلاسفه انسان حیوان ناطق است. تفاوت انسان با حیوان در قوه‌ی تعقل است. انسان چون می‌اندیشد می‌تواند سخن بگوید. منظور از زبان، زبان ظاهر نیست. در پشت زبان ظاهر عقل و تفکر است که در زبان نمودار می‌شود.

سعدی به آیین سخنوری از جمله نحوه‌ی سخن گفتن، فاش نکردن راز، نحوه‌ی اطلاع رسانی، نکوهش غیبت و عیب‌گویی، رعایت سکوت و فواید خاموشی، تاثیرشنونده برگزیده و... توجه می‌کند.

وی در ابیاتی متفاوت به این موضوع پرداخته که ما به اختصار نمونه‌ای عنوان می‌کنیم:

سخن در صلاح است و تدبیر و خوی / نه در اسب و میدان و چوگان و گوی

زبان درکش ای مرد بسیار دان / که فردا قلم نیست بر لبی زبان

صدف وارگوهر شناسان راز / دهن جز به لولو نکردند باز (سعدی، بوستان)

تاگور نیز به سخن پرداخته ولی بیشتر به پرورش روح، سکوت و خاموشی، اخلاص و پاکی برای شنیدن صدای ربانی توجه داشته:

کوزه‌ی دلم را / در این ساعت خاموشی / در آب کرده‌ام / از عشق سیراب شده است. (تاگور، 1388)

استقامت

تاگور در نامه‌ای به دوستش چارلز اندروز می‌نویسد: «داریم کشف می‌کنیم که مسئله‌ی ما جهانی است. هیچ قومی نمی‌تواند جدای از دیگران به آزادی دست یابد. یا همه با هم نجات می‌یابیم یا همگی نابود خواهیم شد. این حقیقتی است که مقبول همه‌ی بزرگان عالم. آن فرزندان چون به روح واحد بشری توجه تام داشتند همواره تعلیماتشان مخالف هر گونه انحصار طلبی بود... انسان معنوی هرگز دست از تلاش برای رسیدن به شکفتن و کمال خود برنداشته است، و هر فریاد راستین بخاطر آزادی خبر از این رهایی می‌دهد. بر پا کردن سنگرهای جداسازی به نام مصلحت ملی به نوعی ایجاد محظور و ساختن زندان

برای ملت در دراز مدت است. چون یگانه راه رهایی در آرمان بشریت است.»
(جهانبگلو، 1379)

نگفتم روزه بسیاری نباید/ ریاضت بگذرد سختی سر آید
پس از دشواری آسانست ناچار/ ولیکن آدمی را صبر باید
بیخ مداومت را روزی شجر بروید/ شاخ مواظبت را وقتی ثمر
بباشد (سعدی، غزلیات)

تا رنج تحمل نکنی گنج نبینی/ تا شب نرود صبح پدیدار نباشد (همان)
این اندیشه‌ها حکایت از اراده‌ای محکم دارد. در مثل پارسی زبان داریم: «گر
صبر کنی ز غوره حلوا سازی». برای رسیدن به موفقیت و تحقق خواسته‌ها باید
صبر، تلاش و ایستادگی کرد. باید بر سختی‌ها غلبه کرد ناخشنودی‌ها را تحمل
نمود تا به آزادی روح و جان رسید. بدیهی است که با یک بار آموزش شاید تربیت
نیک جا نیافتد بلکه با تکرار و مداوم و استقامت در عمل نیک، نتیجه مطلوب
حاصل شود.

وقت شناسی

سعدیا دی رفت و فردا همچنان موجود نیست/ در میان و این و آن فرصت
شمار امروز را (سعدی، غزلیات)
سعدیا عمر عزیز است به غفلت مگذار/ وقت فرصت نشود فوت مگر نادان
را (همان)

قضا روزگاری زمن در بود/ که هر روزی ازوی شب قدر بود (سعدی، بوستان)
از دید سعدی زمان مثل شب قدر بافضیلت و ارزشمند است. فرصت را باید
غنیمت شمرد و در کسب فضائل تلاش کرد. زیرا اگر قدر وقت را ندانیم این
زمان می‌گذرد و ما بی‌بهره خواهیم ماند.

تاگور که در این موضوع با او بیشتر موافق است، اهمیت وقت را بیشتر برای
رسیدن به خدا می‌داند و این توجه را در جهت ساختن منش و شخصیت درست
انسانی، مهم می‌بیند.

«... قرن‌های تو از پی هم می‌آیند و گل صحرا پی کوچکی را کمال می‌بخشند/ ما را وقتی نیست که از دست بدهیم/ و چون وقت نداریم باید به خاطر بخت خوبمان تلاش کنیم بینواتر از آنیم که دیر کنیم/... در آخر روز هراسان می‌شتابیم که مبادا دروازه‌ات بسته شده باشد/ اما می‌بینیم که هنوز وقت هست»
(تاگور)(حسینی رنجبر، 1394)

عشق و محبت

عشق و شادی در مبانی عرفانی تاگور همه‌ی خوبی‌ها و شادمانی‌ها را می‌زاید. او در مقاله‌ی «ادراک در عشق» می‌گوید: عشق معنای غایبی همه‌ی چیزهای پیرامون ماست. از نظر تاگور، درون‌سازی نامتناهی در انسان، مولد است که صرفاً با عشق ادا می‌گردد و یگانه راه خدا شناسی یا نامتناهی، عشق است و طریق اتصال به خدا جز با عشق نیست.

تاگور: «دنیا از عشق زاده شد، با عشق باز ایستاد، به سوی عشق می‌رود و بدین گونه تمامی تعارضات وجود محو و ناپدید می‌شود. تنها در عشق است که یک و دو با هم است. تنها در عشق حرکت و سکون با هم است... برد و باخت یکی است...، عبودیت و آزادی متناقض نیست، عشق نهایت آزادی در نهایت اسارت است و برای هر که در او عشق است متناهی و نامتناهی یکی است.»

تاگور دوگانگی و یگانگی را در قلمرو عشق در تعارض نمی‌بیند؛ زیرا عشق، اصلی است که آن دورا وحدت می‌بخشد و عشق در نظر او فارغ از هرگونه وابستگی و خودخواهی است. عشق از معشوق ایثار را طلبیده؛ چرا که باید در طلب دیگری هیجان‌های خودپسندانه را فدا ساخت. برای همین او در یک کلام معتقد است که روحی که هر کنش را وقف برهن کند، به شادی می‌رسد. (کیخای فرزانه، 1390)

سعدی بی‌تردید عاشقی راستین بوده، چرا که سوز درونش که در سخنش جاری است از چیزی خبر می‌دهد. به گفته‌ی خودش «سعدی، این ناله‌ی دل‌سوز تو بی‌چیزی نیست» و بقول حافظ «آری آری سخن عشق نشانی دارد». این نشان در سخن سعدی هست و در همه جا خود را بروز می‌دهد.

او در هر حال و مقامی عشق و جمال پرستی را لازمه‌ی انسان و «حس بشریت» می‌داند. انسانِ خاکی و ایسته به غرایز به نحوی در چنگال آن گرفتار است و انسان آرمانی را نیز- اگر یافته شود- بی عشق انسانی نیست. (انوری، 1382)

عاشقان را ز بر خویش مران تا بر تو / سرور هر دو فشانند و دعا نیز کنند
عشق و درویشی و انگشت‌نمایی و ملامت / همه سهل است تحمل نکنم بار
جدایی

روز صحرا و سماع است و لب جوی تماشا / در همه شهر دلی ماند که دیگر
نریایی؟ (سعدی، غزلیات)

که من عاشقم گریسوزم رواست / تو را گریه و سوز باری چراست؟
اگر عاشقی سر مشوی از مرض / چو سعدی فرو شوی دست از غرض (سعدی،
بوستان)

نقش موسیقی در تربیت

موسیقی باعث آرامش و لطافت روح می‌شود. یکی از راه‌های آموزشی، آموزش با
موسیقی است. آهنگ و وزن باعث گوشنوازی و آرامش فرد می‌شود در نتیجه
آموزش زودتر صورت گرفته و در ذهن ماندگار خواهد شد. یکی از ارکان شعر
موسیقی است. سعدی و تاگور از این مساله غافل نبوده‌اند.

سعدی به آوای خوش دل‌بسته بوده و به ساز موسیقایی نیز آشنایی داشت.
وقت طرب خوش یافتم آن دلبر طناز را / ساقی بیار آن جام می مطرب بزن آن ساز
را

روی خوش و آواز خوش دارند هر یک لذتی / بنگر که لذت چون بود محبوب
خوش آواز را

شور غم عشقش چنین حیف است پنهان داشتن / در گوش نی رمزی بگو تا
برکشد آواز را (سعدی، غزلیات)

تاگور خود نیز موسیقی‌دان بوده و از موسیقی در شعر به نحو احسنت بکار برده
است.

این شعر از تاگور نمونه‌ی خوبی از موسیقی دارد: «کرانه‌ها سرازیرند و لطیف با چمنزار / غوطه‌ور کن خستگی پاهایت را در آب / باد نیمروز، انگشتانش را از لای موهای تو گذر خواهد داد، / کبوتران ترانه‌های خوابشان را خواهند خواند، / برگ‌ها زمزمه خواهند کرد، رازهایی را که در سایه‌ها لانه کرده‌اند.»
با خوانش این غزل از سعدی شادی و شور و ساز و آهنگ کلام احساس می‌شود. با خوانش شعر تاگور نیز آهنگی لطیف و ملایم در صحنه‌ی طبیعت گوش نوازی می‌کند.

آزادی

الا ای باد شبگیری بگوی آن ماه مجلس را / تو آزادی و خلقی در غم رویت گرفتاران
دمی با دوست در خلوت به از صد سال در عشرت / من آزادی نمی‌خواهم که با یوسف به زندانم

رها نمی‌کند ایام در کنار منش / که داد خود بستانم به بوسه ازدهنش
سعدی آن نیست که هرگز ز کمندت بگریزد / که بدانست که در بند تو خوشتر
که رهایی

عزت نفس مناعت طبع و بلند نظری سعدی نشان از آزادی و وارستگی اوست.
این ویژگی او را دربر ابرهیچ قدرتمندی یا نیروی مکنی به تکریم نکشاند.
تاگور نیز معتقد به آزادی اندیشه و آزادی روح و برداشتن مرزهاست. او می‌گوید:
«هرگاه انسانی در روحش تپیدن حیات و روح کل جهان را احساس کند به آزادی رسیده است.»

«... آنجا که جویبار پاک خردمندی در بیابان شزار عادت‌های مرده راه گم نکرده
است، / آنجا که ترول را بسوی اندیشه و کردار گسترش یاب پیش می‌بری، در آن
بهشت آزادی، ای پدر مهن، مرا بیدار کن.» (مجتبایی، 1388)

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

منابع انسانی با عنوان سرمایه‌ی انسانی نیز یاد می‌شود. مدیریت منابع انسانی می‌کوشد تا قابلیت‌های مدیریت و نیروی کار انسانی را شناسایی کرده، پرورش داده، نگهداری کند و همچنین برانگیخته سازد. بنابراین منابع انسانی

سرمایه‌ی مهم هر جامعه محسوب می‌شوند و تربیت بُعد مهم زندگی هر فرد است که تاثیر مستقیم بر کل جامعه دارد.

با توجه به قدمت روابط فرهنگی و ادبی دو کشور ایران و هند و نیز بر اساس نیاز جامعه‌ی امروز، تعلیم و تربیت منابع انسانی توجه به جنبه‌های تربیتی در آثار سعدی و تاگور می‌تواند نتیجه بخش و راهگشا باشد.

سعدی تربیت نیروی انسانی را از همان ابتدای سال‌های کودکی در خانه و مدرسه مهم می‌داند. والدین و مربیان باید با صبر و حوصله آموزش صحیح را به کودک منتقل کنند. وی بر این باور است که برای پرهیز از گناه باید درون را از آلودگی پاک کرد. باید روح خود را مانند کودک پرورش دهد. تاگور تربیت را برای آزادی روح بشر می‌داند. تاگور به وجود یک کودک به عنوان یک انسان نگرسته است، آن هم انسانی که تازه و پاک به وجود آمده است و هنوز به آرایش‌های این دنیا مکر نشده است. تاگور و سعدی هر دو در طبیعت و در ارتباط با خلق و خوی طبیعی مردم بودند. عاشق زیبایی و طبیعت بودند و این زیبایی‌ها را در آثار خود نمایان ساختند. سعدی عوامل وراثت، محیط، ذات و سرشت شخص در تعلیم و تربیت موثر می‌داند. و معتقد است هر کس به اندازه توان و ظرفیت خود به درک و فهم موضوعی می‌پردازد. لازمه‌ی تربیت و از اصول موفقیت، رعایت اصل وحدت اتحاد و یکی بودن می‌داند. جهان بینی و درک دنیای اطراف باعث می‌شود که در فرد احساس دوستی و مروت تقویت شود. در نتیجه هر فرد در هر جای جهان که باشد نسبت به هم‌نوعان خود احساس تعلق خاطر کرده و صلح جهانی برقرار می‌شود. سعدی به آیین سخنوری از جمله نحوه‌ی سخن گفتن، فاش نکردن راز، نحوه‌ی اطلاع رسانی، نکوهش غیبت و عیب‌گویی، رعایت سکوت و فواید خاموشی، تاثیر شتوننده برگوینده و... توجه می‌کند تاگور نیز بیشتر به پرورش روح، سکوت و خاموشی، اخلاص و پاکی برای شنیدن صدای ربانی توجه دارد. و معتقد است برای رسیدن به موفقیت و تحقق خواسته‌ها باید صبر، تلاش و ایستادگی کرد. باید بر سختی‌ها غلبه کرد ناخشنودی‌ها را تحمل نمود تا به آزادی روح و جان رسید. عشق و

شادی در مبانی عرفانی تاگور همه‌ی خوبی‌ها و شادمانی‌ها را می‌زاید. سعدی نیز بی‌تردید عاشقی راستین بوده، چرا که سوز درونش که در سخنش جاری است از چیزی خبر می‌دهد. موسیقی باعث آرامش و لطافت روح می‌شود. یکی از راه‌های آموزشی، آموزش با موسیقی است. آهنگ و وزن باعث گوشنوازی و آرامش فرد می‌شود در نتیجه آموزش زودتر صورت گرفته و در ذهن ماندگار خواهد شد. تاگور موسیقی‌دان بوده و سعدی نیز از موسیقی در شعر به نحو احسن بکار برده است عزت نفس مناعت طبع و بلند نظری سعدی نشان از آزادی و وارستگی اوست. این ویژگی او را در برابر هیچ قدرتمندی یا نیروی مکنی به تکریم نکشانند.

تاگور نیز معتقد به آزادی اندیشه و آزادی روح و برداشتن مرزهاست. هر دو تربیت را برای رسیدن به آزادی، صلح جهانی، انسان‌مداری، حسن خلق، غنیمت شمردن فرصت‌ها مهم می‌دانند. ذات و سرشت درونی فرد، تفاوت در آفرینش و خلقت انسان‌ها در تربیت موثر است.

با توجه به دنیای پیچیده‌ی امروز، تهاجم فرهنگی، عوامل تهدید کننده جوامع، فرصت‌ها و تهدیدات دنیای تکنولوژی نیاز است آثار نویسندگان بزرگی چون سعدی و تاگور بیشتر مورد مطالعه و واکاوی قرار گیرد.

پیشنهاد می‌شود جوامع امروز و اهالی فرهنگ، هنر و دانایی بخصوص ادیبان، دانشجویان، سیاست‌مداران، اقتصاد دانان، مدیران مراکز و سازمان‌ها این کتاب‌ها را مورد مطالعه قرار داده و نکات تربیتی را در برنامه زندگی فردی و اجتماعی اجرا و مدیریت کنند. باشد که دنیای زیبایمان همواره زیباتر باشد.

تشکر و قدردانی

در پایان از جناب دکتر جهانگیر اقبال سرگروه بخش پارسی زبانان از کشور هند، دکتر عباس عاشوری‌نژاد استاد زبان و ادبیات فارسی، استاد فرزانه جناب حسین جواهری چهره ماندگار و پدر علم شیعی استان فارس، شاعر و ادیب گرانقدر جناب اسماعیل عظیمی، خانواده مهربانم بخصوص پدر و مادر عزیزم

و دیگر عزیزانی که با من همراه شدند کمال تشکر و قدردانی دارم. و از درگاه
خدای متعال برای ایشان بهترین‌ها را آرزو می‌کنم. شاد و پیروز باشید.

فهرست منابع

- 1) افلاطون (1356) دوره‌ی کامل آثار افلاطون، جمهوری و کتاب دهم، ترجمه:
محمد حسن لطفی، تهران، خوارزمی.
- 2) انوری، حسن (1382) گزیده غزلیات سعدی، ویرایش دوم، چاپ نهم، نشر قطره.
- 3) پورداوود، ابراهیم (1340) صد پند تاگور، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- 4) تاگور، رابین درانات (1388) نیلوفر عشق، ترجمه‌ی علی پاشایی، تهران، میترا.
- 5) جهانیکو، رامین (1379) تاگور وجدان بشر، ترجمه‌ی خجسته کیا، نشر نی، چاپ
اول، تهران.
- 6) حسنی رنجبر، احمد و دیگران (1394). بررسی تطبیقی تعلیم و تربیت در آثار
سعدی و اشعار تاگور، فصلنامه علمی- پژوهشی «پژوهش زبان و ادب فارسی»،
شماره 36.
- 7) سعدی (1375) شرح بوستان، محمد خزانی، انتشارات جاویدان.
- 8) سعدی (1375) شرح گلستان، محمد خزانی، انتشارات جاویدان.
- 9) سعدی (1392) غزلیات، محمدعلی فروغی، چاپ دوم، نشر فراروی.
- 10) شعار، جعفر (1388) گزیده قصاید سعدی، مقدمه دکتر حسن انوری، چاپ 13،
نشر قطره.
- 11) کیخای فرزانه، احمد رضا (1390). مبانی اندیشه‌ی فلسفی-عرفانی رابین درانات
تاگور، فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال سوم، شماره 6.
- 12) مجتبابی، فتح‌اله (1388) تبار و اندیشه تاگور، مجموعه مقالات، به کوشش علی
دهباشی، تهران، نشر نیکا.
- 13) یوسفی، زینب (1395) بررسی عوامل موثر در حفظ و نگهداشت منابع انسانی
شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه بوشهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد،
رشته علوم تربیتی-مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد واحد بوشهر.
- 14) یونسکو کمیسیون ملی ایران (1373)، ذکر جمیل سعدی، مجموعه مقالات
هشتادمین سالگرد تولد شیخ اجل در سال 1373.
- 15) www.irna.ir